

# مجاهدات ایرانیان

## در آزادماختن دین حنیف اسلام از چنگال خو فخر اران

### بنی امید و نشر حقایق آن

قبل از اطلوع آفتاب اسلام در ایران ادیان مختلفی از قبیل زردشتی و مانوی و مزدکی وجود داشت که اساس تعلیمات آن بر تنویت یعنی خالق خیر (اهور مزدا) و خالق شر (اهریمن) قرار داشت دین زرتشت که مدت زیادی آئین رسمی پادشاهان ایران بود بملت ایران شایانی نمود و برای تقویت قوای خیر و غلبه آن بر لشکریان اهریمن سه اصل مهم گرفتار نیک رفتار نیک اندیشه نیک را اساس اخلاق و فضائل نفسانی قرارداد و برای اضمحلال قوای اهریمن از اندیشه بد دروغ یاغیگری مردم را بر حذر داشت در پر تو این تعالیم تحولات فکری و علمی در ایران پدید گشت و ایران در ردیف متمدنی ترین ممالک عالم قرار گرفت ولی این دین هم مثل ادیان کلیسی و مسیحی دستخوش انحرافات و خرافات گردید و اختلافات زیادی بوجود آمد عده ای طرفدار تعلیمات مجوس و دسته ای پیرو آئین مانوی گردیدند شهرستانی در کتاب معروف اللؤلؤ والنحل فرقه های مختلف آن را نقل نموده است ایرانی که تشنه دانش و حقیقت بود و افکار بلند و استعداد آن نمیتوانست در بنده اندیشه ها و تعلمات خرافاتی باشد و حس حقیقت طلبی وی اضا نمیگردید از اینرو برای یافتن حقیقت چون گمشدگان راه میطلبید مقارن این زمان از ظلمت کده عالم آفتاب جمال محمد درخشیدن گرفت ایرانیان از عدالتخواهی و داد گستری، شفقت، احسان و مساوات و موااسات اسلام سخن هامیشیندند قوه جاذبه معنویت اسلام قلوب جهانیان را که تشنه حقیقت بودند بطرف خود جذب نمود از اینرو ایرانی که ذاتاً دانش دوست و حقیقت طلب بود بارقه امید در دلش پدید گشت ایرانی دید که اسلام شرف رفاهات و برتری را بر اساس فضائل اخلاقی و تقوی و دانش قرار داده است و تمایز طبقاتی که بر پایه موهومات و عقاید پوچ و بی معنی بوده لغو نموده است رذائل اخلاقی و عناوین کاذبه جای خود را بشرف و تقوی داده است بدینجهت در صفا اول اسلام قرار گرفته و در نشر حقایق این دین کوشیدند این عوامل موجب پیروزی و پیشرفت اسلام در ایران گردیدند زور شمشیر اعراب شواهد این بیان زیاد است ۱- در جنگ قادسیه چهار هزار نفر از دیلمیان بکیش اسلام در آمده مسلمین را در جنگ جلولا یاری نمودند دیالمه که در ایالت دیلم قسمت جنوب بحر خزر مسکن داشتند مردمی شجاع بودند در قرن دوم هجری پیروان آل علی علیه السلام که بر اثر ظلم عباسیان خسته شده بودند باین ناحیه مهاجرت و دیلمیان بخوبی از آنان پذیرائی نمودند و دیلم و نواحی بحر خزر پایگاه محکم و مرکز جدیدی بر ضد حکومت عباسیان

گردید چنانچه در تاریخ ثبت است سلسله آل بویه عزاداری و سوگواری برای آل علی -  
علیه السلام در ماه محرم رسماً برقرار نموده مردم را برای شرکت در مراسم سوگواری و عزاداری  
در روز دهم محرم تشویق نموده زمینه را برای پادشاهان صفوی مهیا ساختند .

۲- زرتشتیان ایران با اینکه در اجرای مراسم دین خود با دخت جزیه آزاد بودند  
گروه گروه بخلعت دین اسلام مشرف میشدند ایرانیان وقتی مسلمان شدند سیاست عالم  
اسلام را در قبضه خود گرفته و ملحوظ سابقه درخشان علمی در امور دیوانی در ثبت و ضبط  
اموال مسلمین مجاهدت بعمل آوردند در اوائل خلافت امویان تا زمان عبدالملک رسماً  
دفاتر مالیاتی و دیوانی بهمان اسلوب فارسی و با زبان فارسی معمول و رایج بود در دوره  
حکومت ابن خلیفه صالح نامی از اسرای سیستان آن را بزبان عربی ترجمه نمود و در انحرافات  
خلفای عرب، ایرانیان با مهارت عجیبی وارد کارزار میشدند و بساط ظلم و بیدادگری را  
میانداختند از آن جمله است ایرانیان بخونخواهی از حضرت حسین علیه السلام داخل لشکر  
و نفرات مختار ابن ابی عبیده ثقفی شده و در زیر لوای او از جان و دل میجنگیدند قیام  
ابو مسلم خراسانی و بر انداختن بساط حکومت بنی امیه شاهد بارز و گواه روشن است  
اعراب بدون کمک ایرانیان نمیتوانستند چرخ عظیم ممالک اسلامی را بگردش در آورند  
سلیمان ششمین خلیفه اموی در این مورد میگوید (عجبا ایرانیان هزار سال حکمفرمایی کردند  
و ساعتی با احتیاج پیدا ننمودند، ما صد سال حکومت کردیم و یکساعت بیسعادت آن ها  
توانستیم زندگانی کنم )

بنی امیه وقتی زمام امور را بدست گرفتند ظلم و بیدادگری را با آچار ساید - که حجاج  
بن یوسف عامل خلیفه پنجم اموی که در کوفه بود ۱۲۰ هزار نفر از مردم مسلمان بیگناه را  
بقتل رساند روی تاریخ از اعمال ننگین و شرم آور فرزندان امیه و ظلم و جنایات آنان سیاه است  
یزید بن معاویه در گفتار خود گفت لعنت هاشم بالملک فلاخبر جاء ولا وحی نزل  
فرزندان هاشم حکومت را باز بچه خود قراردادند نه خبری آمد و نه وحی نازل شده است  
ایرانیان که خود را در برابر این خونخواران دیدند و مشاهده نمودند که یکمشت مردم منافق  
و بیدین بنام خلافت مسلمین بساط ستمگری و عیاشی گسترده اند و وحشیگری و جنایات  
امپراطوران روم در کشورهای اسلام تجدید گشته است و اینان برای ارضای هوس خود مردم  
بیگناه را میکشند و عاملین آنان در کشورهای اسلامی بقتل و غارت و چپاول مشغولند بدین  
جهت برای آزادی اسلام از چنگال این خونخواران چاره جوئی نمودند .

قبلاً یاد نمودیم بعد از قتل فجیع فرزندان پیغمبر و اسارت خاندان رسالت ایرانیان بخون  
خواهی از حضرت حسین علیه السلام علیه بیدادگری بنی امیه قیام نمودند ولی چون کاری از  
پیش نبردند برای برچیدن بساط ظلم نقشه کشیدند که سرانجام ابو مسلم خراسانی با قیام  
مردانه خود مسلمین را از زیر بار ستمگران آزاد ساخت مادر این چگونگی قیام ابو مسلم را از  
کتاب تجارب السلف تالیف هند و شاه نخجوان که در قرن هفتم هجری تالیف شده است به  
اختصار نقل میکنم:

# از این هنر بیزارم

مدیر روشن ضمیر مجله شریفه راه حق

چندی است که در جرید مرکزحتی شهرستانها مطالبی راجع به هنرمندی و رفتار بانوفخری خوروش درج مینمایند این جانب هرچه خواستم که وقعی باین مطالب نگذارم نشد زیرا اولاً موجب سوء تفاهم برای آشنایان این جانب شده بود ثانیاً مندرجات شماره اخیر آن مجله این جانب را وادار کرد که مهر سکوت را از لب بردارم و با اطلاع هموطنان گرام و مخصوصاً بعرض همشهریان ارجمند کیلانی خود برسانم که بانوی مزبور هیچگونه نسبتی با این جانب و خانواده من نداشته و ندارد حتی من و خانواده ام نامبرده را تا بحال ندیده و نمیدانیم چه قیافه‌ئی داشته و یا اهل کجاست؟ برای مزید اطلاع عرض میشود که اینجانب اهل دیلمان کیلان هستم من و خانواده ام را قاطبه کیلانیان می‌شناسند و میدانند که محیط خانواده بنده چنین هنرمندی را نمیتواند بیار آورده و تحویل مردم عیش طلب بدهد در تمام خانواده ما فقط بنده دارای ذوق هنری هستم که گاهی از اوقات کلماتی را بنام شعر بهم بافته و در دسترس مردم میگذارم با کمال سر بلندی و یا ناسف؟! بایستی عرض کنم که همسر و فرزندانم سالی یکبار هم به سینما نمیروند تا چه رسد که بنام هنرمند وارد صحنه‌های مخالف اصول اخلاقی شوند با تقدیم احترام - سرهنگ علی خوروش دیلمانی - لاهیجانی

بعضی گویند ابو مسلم از فرزندان بوذرجمهر است و عده‌ای هم معتقدند که او بنده ابراهیم امام بود که وی او را خرید و تربیت نمود خلاصه چون ابو مسلم قدرت یافت در نهانی لشکر بسیار جمع کرد و سلاح زیادی فراهم نمود و به عامل اموی در خراسان نوشیار حمله ور گردید در چند جنگ وی را شکست داد و نوشیار بمراق گریخت ابو مسلم پیروان خود دستور داده بود که لباس سیاه پوشند از این جهت اینان را سیاه پوشان گفتند ابو مسلم مردم را برای بیعت به ابراهیم امام دعوت مینمود ولی ابراهیم امام بفرمان مروان حمار دستگیر و زندانی شد ابو مسلم پس از تصرف خراسان بمراق آمد و قبل از هلاکت ابراهیم امام نقشه‌ای کشید که خود را بوی درآند و در باره خلافت مسلمین مشورت کند بدین جهت در لباس بازرگانی نزد مروان رفت و گفت ای امیر المومنین از ابراهیم امام امانتی دارم اجازه فرمات تا او را من ببینم و امانت خود را بگیرم مروان ابو مسلم را بایکی از معتمدان خویش پیش ابراهیم فرستاد گفت هرچه این تاجر میگوید مرا آگاه گردان وقتی نزد ابراهیم امام رفتند ابو مسلم گفت امانت را که نزد تو دارم بکه سپرده‌ای ابراهیم فهمید که غرض آن چیست در جواب گفت اگر من بمیرم از پسر حارثیه یعنی سفاح، ابو مسلم از آنجا بکوفه آمد و سفاح و منصور در منزل ابو سلمه خلال (یکی از اکابر شیعه پنهان بودند ابو مسلم بمنزل ابو سلمه رفت و گفت پسر حارثیه کدام است منصور بسفاح اشاره کرد و گفت اوست ابو مسلم بخلافت بر سفاح سلام کرد و اولاد عباسی را از خانه بیرون آورد و مردم مجد جامع رفتند و سفاح بمنبر رفت و خطبه خواند و مردم با او بیعت کردند باین ترتیب عباسیان با قدرت و درایت و فداکاری ایرانیان بر سر کار آمدند و کانهای ظلم و استبداد و بیدادگری امویان درهم ریخت سفاح بیاس خدمت ابو سلمه خلال که شیعه مذهب و ایرانی بود با او منصب وزارت داد